

رخداد

اعدام دو محکوم در ملأعام

■ **شرق:** دو مرد که به اتهام تجاوز به عنف و قاچاق مواد مخدر به مرگ محکوم شده بودند صبح پنجشنبه در رباط کریم در حضور مردم به‌دار آویخته شدند. یکی از این محکومان با جعل عنوان مامور پلیس یا آب و برق وارد خانه زنان تنها می‌شد و به آنان تجاوز می‌کرد. نفر دوم نیز هنگام انتقال دو تن ماده مخدر دستگیر شده بود که بعد از محاکمه به اعدام محکوم شد.

دستگیری ضاربان مردروحانی در کمتر از ۲۰ دقیقه

■ ایسنا: افرادی که صبح دیروز با چاقو به یک روحانی حمله کرده بودند، در طرح «مهار» پلیس دستگیر شدند. ۱۰ دقیقه قبل از اذان صبح دیروز امام جماعت مسجد سادات حسینی واقع در خیابان میمنت - خیابان طوس در حال رفتن به مسجد بود که با سه نفر که قصد ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت وی را داشتند درگیر و با یک قبضه چاقو زخمی شد. مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی تهران بزرگ با اشاره به اینکه این سه نفر که شرب خمر کرده بودند و با موتور ولگردی می‌کردند پس از مشاهده این روحانی به قصد آزار و اذیت با او درگیر شدند، اعلام کرد. این افراد پس از درگیری با این روحانی با مقاومت وی روبه‌رو شدند که در نهایت یک نفر از این افراد با درآوردن چاقو، روحانی را مجروح کرد و هر سه نفر از محل متواری شدند. در پی این حادثه چندنفر از نمازگزاران ضمن تماس با پلیس ۱۱۰ موضوع را اطلاع دادند و ماموران گشت ۱۱۰ با اجرای طرح «مهار» که کمتر از ۲۰ دقیقه‌فرد ضارب و همدستان وی را دستگیر کردند. این عملیات با تعقیب و گریز و تیراندازی از سوی ماموران همراه بود. پلیس پایتخت با بیان اینکه پنج نفر از نمازگزارانی که شاهد صحنه درگیری بودند، ضاربان را شناسایی کردند، اعلام کرد: روحانی مذکور به بیمارستان حضرت رسول (ص) منتقل شده و آخرین اخبار دریافتی حاکی است حال وی مساعداست.

گودبرداری غیراصولی ویرانه دیگری بر جای گذاشت

■ **شرق:** رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام گودبرداری باز هم حادثه آفرید و ساختمان چهار طبقه‌ای را سه ویرانه تبدیل کرد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی، شهروندان وقوع این حادثه را در ساعت ۹ صبح دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع دادند و آتش‌نشانان به محل حادثه در خیابان ستارخان، خیابان کاشانی‌پور اعزام شدند. مهدی داوری، مدیر منطقه چهار عملیات سازمان آتش‌نشانی تهران که در محل حادثه حضور یافته بود به این‌باره اظهار داشت: مدتی قبل در قطعه زمینی به مساحت ۲۵۰ متر مربع برای احداث بنای جدید عملیات گودبرداری انجام شده بود که ناگهان صبح دیروز قسمت شمالی و غربی ساختمان چهار طبقه‌ای در مجاور این محل فرو ریخت. وی افزود: در هنگام ریزش ساختمان هیچ یک از ساکنان در واحدهای تخریب شده این ساختمان چهار طبقه حضور نداشتند و کسی صدمه‌ای ندید. مهدی داوری علت بروز این حادثه را گودبرداری غیراصولی و عدم شمع‌بندی مناسب و مهار دیوارهای جانبی دانست و تصریح کرد: حضور به موقع آتش‌نشانان و تخلیه افراد از قسمت شرقی ساختمان و نیز ایمن‌سازی اولیه مانع از گسترده‌گی حادثه شد. مدیر عملیات منطقه چهار آتش‌نشانی خسارات وارده به ساختمان چهار طبقه را زاید‌اعلام کرد و گفت: کارشناسان آتش‌نشانی و همچنین شهراری منطقه در حال بررسی خطر ریزش دیگر قسمت‌های ساختمان، میزان خسارت وارده و نیز نحوه اسکان ساکنان خانه در مکان امن هستند. در همین حال حادثه‌ای مشابه نیز روز پنجشنبه رخ داد که به مرگ یک کارگر منجر شد. آتش‌نشانان بعد از اطلاع از وقوع این حادثه در ساعت ۱۱:۴۴ صبح پنجشنبه به محل حادثه در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج روانه شدند. حسین بیگی افسر آماده منطقه چهار سازمان آتش‌نشانی تهران در این‌باره گفت: حادثه در محل گودال بزرگی به مساحت ۵۰۰ مترمربع هنگامی رخ داد که کارگران در عمق چهار متری آن سرگرم بتن‌ریزی و انجام فونداسیون یک ساختمان جدید بودند. وی افزود: ریزش ناگهانی بخشی از دیواره خاکی و جانبی محل گودبرداری شده باعث شد سه نفر از کارگران زیر خروارها خاک به دام بیفتند.

حسین بیگی تصریح کرد: بنابر اظهار شاهدان، به دنبال بروز این حادثه دو نفر از کارگران گرفتار شده به علت ماندن در عمق کم خاک توانستند خود را از زیر آوار بیرون بکشند و نجات یابند. وی ادامه داد: آتش‌نشانان به محض رسیدن به محل حادثه، بلافاصله عملیات خاکبرداری را با استفاده از ابزار لازم آغاز کردند و موفق شدند نفر سوم را از زیر عمق زیاد خاک خارج کنند. این افسر آماده آتش‌نشانی با اعلام اینکه آتش‌نشانان تا رسیدن اورژانس، کمک‌های اولیه را برای زنده ماندن این شخص انجام دادند، افزود: عوامل اورژانس به محض رسیدن به محل، معاینات اولیه را انجام دادند و سپس فوت این کارگر را اعلام کردند. افسر آماده منطقه چهار عملیات آتش‌نشانی تهران، عدم شمع‌بندی مناسب و رعایت نکردن نکات ایمنی را علل وقوع این حادثه تشخیص داد.

شرق: مردی که به دلیل اختلاف حساب ۱۲۰میلیون تومانی توسط دوستش ربوده شده بود در عملیات بامدادی پلیس نجات یافت.

به گزارش خبرنگار ما زنی ساعت ۱ و ۳۰ دقیقه بامداد اولین روز ماه جاری با مراجعه به اداره ۱۱ پلیس آگاهی از ماموران برای آزادی شوهرش که ربوده شده بود کمک خواست.این زن گفت: «همسرم به نام حمید ساعت ۱۶ دیروز با من تماس گرفت و گفت در اتوبان همت، مسیر شرق به غرب، با چند نفر درگیر شده است. ناگهان تماس تلفنی ما قطع شد و پس از آن نیز دیگر پاسخگوی تلفن همراهش نبود. با گرفتن یک آژانس، خودم را به اتوبان همت رساندم و پس از مدتی جستوجو توانستم همسرم را در حال بحث کردن با چند نفر از جمله یکی از دوستانش به نام فرهاد ببینم. تمامی شیشه‌های ماشین شوهرم شکسته و در سمت راننده نیز به شدت تخریب شده بود. زمانی که به همسر نزدیک‌تر شدم، دیدم یکی از این افراد چاقویی در دست دارد. آن مرد به سمت من آمد و مرا تهدید به زدن با چاقو کرد. من شروع به داد و فریاد کردم و در این هنگام فرهاد گفت: با پول و سند برایم می‌آوری یا بلایی سر شوهرت می‌آوری که دیگر او را نبینم. فرهاد و همدستانش پس از کمی تهدید، همسرم را سوار خودرو پژو ۴۰۵ کردند و از آنجا رفتند. به حدی ترسیده بودم که برای چند لحظه نتوانستم هیچ عکس‌العملی نشان بدهم. آدم‌ربایان در این چند ساعت دایما با من تماس می‌گیرند و پول یا سند می‌خواهند»

کارآگاهان تحقیقات خود را روی فرهاد متمرکز کردند و فهمیدند این مرد ۲۹ساله در طبقه بیستم ساختمانی تجاری در فلکه دوم صادقیه دفتر کار دارد. آنها با این احتمال که

شرق: مادر و پسر خلافکار با طراحی توطئه مردی را به قتل رساندند و اموال او را به یغما بردند. مردی که روز دهم‌خرداد برای تفریح به پارک جنگلی شهید زارع ساری رفته بود ناگهان خود را در برابر شیء مشکوکی دید که داخل پتو پیچیده شده بود. او وقتی گوشه‌ای از پتو را کنار زد مشاهده کرد جنازه مردی در آن پنهان شده به همین دلیل با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفت و موضوع را به مأموران خبر داد. دقایقی بعد تیمی از کارآگاهان جنایی و متخصصان بررسی صحنه جرم در محل حضور یافتند و مشاهده کردند قسمتی از پتو و همچنین بخشی از صورت مقتول سوخته. این موضوع نشان می‌داد قاتل یا قاتلان قصد داشتند جنازه را به آتش بکشند اما بنا به دلیلی نامعلوم موفق به این کار نشده‌اند. همچنین روی پیکر قربانی آثار جراحت متعدد وجود داشت که از درگیری و پیش از مرگ خبر می‌داد. علاوه بر این عامل یا عاملان جنایت دست، پا و گردن مقتول را به سیم آنتن بسته بودند. جنازه مرد میاسال در حالی به پزشکی قانونی انتقال یافت که هیچ مدرک شناسایی از او کشف نشده بود.اما کارآگاهان با انجام انگشتنگاری فهمیدند مقتول مردی سابقه‌دار به نام حسن است، به این ترتیب خانواده قربانی شناسایی شدند و تحت

شرق: مردی با جست‌وجو در میان آگهی‌های اجاره اتاق کار طعمه‌هایش را برای کلاهبرداری انتخاب می‌کرد. به گزارش خبرنگار ما ماموران کلانتری شهر قدس در آخرین روزهای سال گذشته به دستور مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به یک شرکت خدمات رایانه‌ای واقع در خیابان فرهنگ رفتند و از زبان مدیر شرکت شنیدند فردی به نام «مصطفی» تحت عنوان تعمیرکار رایانه با مراجعه به آنجا یکی از اتاق‌های شرکت را اجاره کرده و سپس با سفارش خرید قطعات رایانه‌ای از طریق خطوط تلفن ثابت داخل شرکت، این قطعات را به سرقت برده و فرار کرده است. رسیدگی به این موضوع به دستور بازپرس شعبه ۱۲ دادرسی ناحیه ۳ تهران، به کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی محول شد و آنها با بررسی شکایت‌های مشابه درخصوص اجاره اتاق در شرکت‌های تجاری اطلاع پیدا کردند در تمامی این موارد، مدیران شرکت‌ها از طریق انتشار آگهی بازگانی در روزنامه‌های کثیرالانتشار برای اجاره اتاق اعلام آمادگی کرده بودند. بنا بر تحقیقات انجام‌شده از مدیران شرکت‌ها پس از انتشار آگهی کرایه فردی حدودا ۴۰ساله با مراجعه به دفاتر این شرکت‌ها زمینه فعالیت اقتصادی خود را خرید و فروش یا انجام

عملیات بامدادی برای آزادی گروگان ۱۲۰میلیون تومانی



عکس شرق

و در حال حرکت، چندین بار ماشین خودش را به اتومبیل من کوبید تا اینکه در انتهای اتوبان همت به علت خاموش شدن ماشین، متوقف شدم. فرهاد پس از پیاده شدن، تمامی شیشه‌های خودرو مرا خرد کرد و در همین زمان، یکی از دوستانش که پیراهن سفیدی پوشیده بود با تماس فرهاد به محل آمد و تهدید کرد اگر سوار ماشینم نشوم مرا با چاقو می‌زند. آنها بالاخره به زور من را سوار ماشین فرهاد کردند و به دفتر کارشان بردند. آدم‌ربایان دست‌هایم را بستند و در یکی اتاق‌ها زندانی کردند.»

همدستی مادر و فرزند در سرقت مرگبار

بازجویی قرار گرفتند. آنها از چگونگی وقوع قتل ابراز بی‌اطلاعی کردند اما گفتند حسن به‌تازگی با مادر و پسرش با حسن آشنا شدند و رابطه صمیمانه‌ای برقرار کردند اما مادر و فرزند بعد از مدتی تصمیم گرفتند از حسن اخاذی کنند و به‌خاطر این موضوع با هم دچار اختلاف شده بودند. پلیس پس از جمع‌آوری مدارک لازم سعید خانه آنها پارک شده است. این سرخ‌نشان می‌داد پلیس مسیر تحقیقات را درست انتخاب کرده است. افسران جنایی برای به‌دست آوردن مدارک بیشتر علیه مادر و پسر درباره زندگی آنها تحقیق کردند و فهمیدند هر دو از خلافکاران سابقه‌دار هستند که انواع جرایم به‌ویژه جرم‌های مربوط به موادمخدر را در پرونده‌شان دارند. طبق اطلاعات به‌دست آمده مظنونان تا چندی قبل در تهران سکونت داشتند اما بعد از اینکه نسرين

کلاهبرداری با اجاره اتاق در شرکت‌های تجاری

یکی از مجرمان سابقه‌دار شدند. این مرد ۴۴ساله به نام مصطفی سوابق متعددی در زمینه جعل و کلاهبرداری داشت و آخرین بار نیز در سال ۸۸ به اتهام جعل اسناد دستگیر و روانه زندان شد اما سال گذشته با سپردن وثیقه و به بهانه مرخصی از زندان آزاد و متواری شده بود. کارآگاهان در ادامه تحقیقات خود مطلع شدند متهم پس از آزادی از زندان محل سکونتش را تغییر داده و هیچ‌گونه اطلاعات جدیدی نیز درخصوص محل‌های تردد احتمالی یا مخفیگاه وی وجود ندارد. ماموران که در این مرحله به نتیجه نرسیده بودند با توجه به محل فعالیت متهم در حوالی



کارآگاهان وقتی فهمیدند به غیر از دو مرد دستگیرشده شخص دیگری نیز در این آدم‌ربایی مشارکت داشته به تحقیقات خود ادامه دادند و سرانجام این متهم ۳۰ساله را که کامبیز نام دارد در منطقه اکباتان دستگیر کردند. سپس بازجویی از متهمان آغاز شد. فرهاد درباره انگیزه‌اش از آدم‌ربایی گفت: «حمید ۱۰ماه است که نزدیک به ۱۲۰میلیون تومان، به من بدهکار است و این پول را نمی‌بردارد. او از دوستان قدیمی‌ام است و کاملاً به وی اعتماد داشتم به همین دلیل یک‌فقره چک سفید‌امضاشده در اختیارش قرار داده بودم اما او از اعتماد من سوءاستفاده و بدون هماهنگی از حسابم پول برداشت کرد. من از این موضوع اطلاع نداشتم تا اینکه از بانک تماس گرفتمند و خبر خارج شدن پول‌ها از حسابم را اطلاع دادند. در طول مدت این ۱۰ماه، حمید دایما به من قول می‌داد پول مرا پس خواهد داد اما به وعده‌هایش عمل نمی‌کرد تا اینکه اطلاع پیدا کردم وی قصد دارد خاتمش را جابه‌جا کند به همین علت از یکی از دوستانم به نام هدایت که چند روزی است از شمال به تهران آمده، درخواست کردم همراه من به محل سکونت حمید بیايد. حدود ساعت ۱۶ ناگهان چشمم به حمیدافتاد که سوار بر پژو پریشای سفیدرنگ در حال چرخیدن در اطراف محل سکونتش بود. به محض دیدن او، با ماشینم سر حرکتش را مسدود کردم تا فرار نکند اما با وجود برخورد شدید میان دو خودرو حمید سعی کرد، فرار کند من نیز به دنبالش رفتم. حمید پس از فرار، به سمت اتوبان همت، مسیر شرق به غرب، حرکت کرد تا اینکه بعد از جنت‌آباد موفق شدم او را متوقف کنم».

بنا بر این گزارش متهمان اکنون با قرار بازداشت در اختیار کارآگاهان قرار دارند تا تحقیقات تکمیلی از آنها انجام شود.

و کارآگاهان بر آن شدند تا این بار خانه آن دو را تفتیش کنند تا شاید دلایل دیگری دال بر گناهکاری آنها بیابند. ماموران وقتی به خانه دو مظنون رفتند مشاهده کردند دانهی که دختر نسرين به پا دارد شبیه به همان دلمنی است که به گفته خانواده مقتول از خانه وی به سرقت رفته و متعلق به فرزند حسن است. علاوه بر این دو دستگاه ال‌سی‌دی و همچنین یک ویدیو که آنها نیز جزو اموال مسروقه بودند در منزل متهمان کشف شد و ماموران مشایبه سعی را که دور دست و پای مقتول بسته شده بود در این خانه پیدا کردند. سعید در حالی که خود را در بن‌بست می‌دید به کشتن حسن اقرار کرد و گفت در این جرم مادرش نیز با او همکاری کرده است. این جوان توضیح داد: «من و مادرم قصد داشتیم خودرو مقتول را سرقت کنیم به همین دلیل روز خوش را به حساب در منزل تنها بودیم به آنجا رفتیم و من آن مرد را زیر مشتش و لگد گرفتم و کشتم. به‌دست دادم و پا و گردنش را بستیم و جسد را در پتو گذاشتم و به پارک جنگلی بردیم. در آنجا می‌خواستیم جسد را بسوزانیم اما چون بنزین‌مان کم بود موفق به این کار نشدیم.» بنا بر این گزارش نسرين نیز وقتی فهمید پرسش حقایق را گفته است به همدستی در قتل و سرقت از خانه حسن اقرار کرد.

شکای ادامه داد: مدتی گذشت و من از پسر موردعلاقهم خواستم به طوری رسمی از من

میدان ونک و غرب تهران مدیران شرکت‌هایی را که قصد داشتند اتاقی اجاره بدهند در جریان اعمال متهم فراری قرار دادند و با ارایه تصویر مصطفی از آنها خواستند در صورت مشاهده مرد شاید پلیس را باخبر کنند. سرانجام چند روز قبل فردی با مراجعه به شرکتی بازرگانی واقع در شهرک قدس برای کرایه یکسی از اتاق‌ها قراردادی را امضا کرد و

مدیر شرکت که متوجه شده بود این فرد همان متهم تحت تعقیب است با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و موضوع را اطلاع داد به این ترتیب دقایقی بعد از حضور ماموران کلانتری شهرک قدس در محل، متهم در حال نوشیدن چای دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد. در ادامه تمامی مالباختگان با مشاهده این مرد وی را به عنوان کلاهبردار شناسایی کردند. سرهنگ مهرداد پنگاه، رییس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «قرار قانونی برای متهم صادر شده و تحقیقات برای شناسایی دیگر مالباختگان در دستور کار قرار گرفته است. از تمامی مالباختگانی که به این شیوه و شگرد مورد سرقت یا کلاهبرداری قرار گرفته‌اند، دعوت می‌شود برای شناسایی متهم و طرح شکایات خود به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»



Reuters/

صدها خانه در کلورادو سوخت

رویترز: صدها خانه به دنبال گسترش آتش‌سوزی جنگل‌ها در ایالت کلورادوی آمریکا و رسیدن حریق به دومین شهر پرجمعیت این ایالت، در میان ریزانه‌های آتش سوختند و هزاران نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. تاکنون دستکم حدود ۳۵هزار نفر از ساکنان این شهر منازل خود را تخلیه کرده‌اند و حدود ۳۶۵ ساختمان مسکونی در شعله‌های آتش خاکستر شدند و حداقل یک نفر جان باخته است. کلورادو اسپرینگ، دومین شهر بزرگ ایالت کلورادوی آمریکا با جمعیت بیش از ۴۰۰ هزار نفر است و حداقل ۳۵ خیابان این شهر طعمه حریق شدند و از بین رفتند. وسعت آتش‌سوزی و شرایط جوی به گونه‌ای است که از دست آتش‌نشانان برای مهار حریق کار زیادی بر نمی‌آید.

حوادث

حادثه‌ها

کشف مواد مخدر از بار هندوانه

■ **شرق:** چهار عضو شبکه قاچاق موادمخدر که در پوشش بار هندوانه قصد انتقال موادمخدر را از استان‌های شرق کشور به غرب داشتند توسط پلیس استان تهران دستگیر شدند و ۲۴۲ کیلوگرم موادمخدر کشف‌شد.سرهنگ ناصراصالتی، فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران گفت: ماموران انتظامی پلیس مبارزه با موادمخدر با به دست آوردن اخبار و اطلاعاتی از تهیه و انتقال موادمخدر توسط قاچاقچیان که قصد انتقال موادمخدر را از استان‌های شرق کشور به غرب داشتند، آنان را شناسایی کردند و دستگیری باند قاچاق موادمخدر را در دستور کار خود قرار دادند. سرهنگ اصالتی افزود: با تعقیب و مراقبت قاچاقچیان و کنترل محوره‌های مواصلاتی غرب استان تهران، روز گذشته در عملیاتی غافلگیرانه دو خودرو قاچاقچیان در محوره‌های مواصلاتی غرب استان تهران توقیف و در بازرسی از خودرو سنگین از لایه‌ای بار هندوانه، ۲۴۲ کیلو و ۸۴۰ گرم موادمخدر از نوع تریاک که به طرز ماهرانه‌ای جاسازی شده بود، کشف شد و چهار متهم دستگیر شدند.

فیلمبرداری پسر افغانلکر از دختر دانشجو

■ **پلیس خیز:** پسر جوانی که با اغفال دختری دانشجو از او فیلمبرداری غیراخلاقی کرده بود، دستگیر شد. این‌دختر دانشجو چندی قبل به کلاتری سجاد دشتی رفت و طی شکایتی گفت: «یک سال قبل با پسر جوانی آشنا شدم که به در نزدیکی خانه همکلاسی‌ام زندگی می‌کرد. من برای درس خواندن به خانه دوستم می‌رفتم و این پسر دانشجو که از شهرستان به مشهد آمده بود با ابراز عشق و علاقه مرا فریب داد. من دلباختاش شده بودم و تحت تاثیر حرف‌های همکلاسی‌ام تمام سعی خودم را به کار گرفتم تا این پسر خوش‌تیپ و پولدار را از دستم ندهم اما رابطه عاطفی من و این پسر جوان در مدت کوتاهی به سوءاستفاده‌های غیراخلاقی ختم شد و به خاطر اینکه هر چه بیشتر او را به خودم وابسته کنم در برابر خواسته‌هایش هیچ مقاومتی از خودم نشان ندادم. شاکای ادامه داد: مدتی گذشت و من از پسر موردعلاقهم خواستم به طوری رسمی از من خواستگاری کند. او چند هفته با وعده مرا امیدوار نگه داشت و وقتی دید که دیگر منکر قبل تسلیم خواسته‌هایش نمی‌شوم، ادعا کرد منتظر است پدرش از سفر خارج برگردد و همراه خانواده‌اش به خواستگاری بیاید. دو ماه از این ماجرا گذشت تااینکه همکلاسی‌ام گفت از طریق برادرش متوجه شده پدر پسر موردعلاقهم قاچاق‌فروش حرفه‌ای است و در زندان به سر می‌برد و خود او نامزد دارد. با فهمیدن اینن موضوع تصمیم جدی گرفتم آن پسر را برای همیشه فراموش کنم اما او به من گفت تصاویری تهیه کرده است که می‌خواهد از طریق بلوتوث منتشر کند و آبرویم را به بازی بگیرد. من هم دیدم چاره‌ای غیر از شکایت ندارم.» بنا بر این گزارش با اعلام شکایت این‌دختر جوان، متهم پرونده دستگیر شد و اکنون تحقیقات از او آغاز شده است.

آزار دختر ۱۴ ساله توسط مادر معناد

■ **پلیس خیز:** شکایت دختر نوجوان از مزاحم خیابانی راز زندگی او را فاش کرد. این دختر ۱۴ ساله در شکایت خود گفت: از خانه فرار کردم و می‌خواستم خودم را به پایانه مسافری برسانم. تصمیم گرفته بودم برای همیشه به خانه مادربزرگم که در شهرستان زندگی می‌کند، بروم اما ناگهان با جوانی روبه‌رو شدم که یک سال قبل مادرم زمینه آشنایی من او را فراهم کرده بود. مادرم ما را با هم آشنا کرده بود تا بتواند به خواسته‌های خودش برسد. این دختر در ادامه، داستان زندگی‌اش را تعریف کرد و گفت: پدر و مادرم از اول با هم اختلاف داشتند تا اینکه پنج سال قبل با رو شدن رابطه مخفیانه مادرم با پسری جوان او از پدرم طلاق گرفت و دنبال زندگی خودش رفت. من یک‌سال‌اونیم با پدرم زندگی کردم اما او در حادثه رانندگی جان خودش را از دست داد و به ناچار مجبور شدم نزد مادرم برگردم. بااینکه آن موقع سن و سالی نداشتم اما خوب می‌فهمید مادرم چه کار می‌کند و از دست او به شدت ناراحت و دلگیر بودم. به همین دلیل هر روز در خانه لجبازی می‌کردم و البته این‌اواخر که مادرم به اعتیاد نیز روی آورده بود، به طرز جنون‌آمیزی کتکم می‌زد. این دختر ادامه داد: مادرم یک سال قبل عاشق مردی شد که زن و بچه داشت و آنها قرار گذاشته بودند فعلاً به طور مخفیانه با همدیگر ازدواج کنند تا آن مرد شرایط و موقعیت جدایی از همسرش را فراهم کند. من فهمیدم این مرد به مادرم دروغ می‌گوید اما کاری از دستم برنمی‌آمد فقط می‌توانستم اعتراض کنم. مادرم هم برای اینکه از دستم خلاص شود ترتیبی داد تا من با پسر ۲۰ ساله شوهر آینده‌اش دوست شوم ولی من نمی‌خواستم این کار را بکنم. اذیت‌های مادرم بالاخره باعث شد تصمیم به فرار بگیرم. می‌خواستم به خانه مادربزرگم بروم اما به طور اتفاقی آن پسر را دیدم و او مزاحم‌م شد و من هم ناچار شدم به ماموران گشت شکایت کنم.» بنا بر این گزارش، در حال حاضر رسیدگی به این پرونده ادامه دارد.